



1

Vol. 10
spring 2025

Research Paper

Received:
31 May 2024
Revised:
24 June 2024
Accepted:
11 August 2024
Published:
05 April 2025
P.P: 35-56

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 2783-1450



Criticism in the governments after the Islamic revolution: an approach to critical education

Mohammad nabizadeh ¹ | Mahdi Siavashi ^{*2}

Abstract

Leadership and liquidity are the main elements of the growth and excellence of the society and can lead to the reform of governance. This article was done with the aim of criticism in the governments after the Islamic Revolution (1368 to 1400) with an approach to critical education. This research was conducted with a qualitative approach and by using the method of library data collection and documentary technique and conceptual analysis. The findings showed that the factors that cause lack of criticism are, on the one hand, the gap between the society and the officials, self-centeredness, the existence of traits such as arrogance and self-conceit, desire for charismatic authority, lack of self-confidence, blaming others instead of accepting weaknesses. On the other hand, belittling criticism, and on the other hand, recounting weaknesses and ignoring strengths, aggression and insults instead of constructive criticism, malice and revenge instead of criticism. The results of the research indicate that providing a platform for criticism in the society increases the political and social participation of the people, creates unity between the people and the officials of the country, increases the political-social understanding of the society, prevents political-social tensions, preserves the independence of the country, and prevents infiltration. Enemies and strengthen the foundations of the system.

Keywords: Criticism, government, criticism, critical education, political system.

1. Lecturer, Faculty of Culture and Social Sciences, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran

2. Corresponding author: Assistant Professor, Faculty of Culture and Social Sciences, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Nabizadeh, M & Siavashi, M (2025). Criticism in the governments after the Islamic revolution: an approach to critical education. *State Studies of Contemporary Iran*, 1(10), 35–56.

Publisher: Imam Hussein University

Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0) .



نقدپذیری در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی: رهیافتی به تربیت انتقادی

محمد نبی‌زاده^۱ | مهدی سیاوشی^{۲*} 

چکیده

سعه‌صدر و نقدپذیری از عناصر اصلی رشد و تعالی جامعه بوده و می‌تواند باعث اصلاح امر حکمرانی گردد. این مقاله باهدف نقدپذیری در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی (سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰) با رهیافتی به تربیت انتقادی انجام گرفت. این پژوهش با رویکرد کیفی و با به‌کارگیری روش گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و تکنیک اسنادی و تحلیل مفهومی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد عواملی که سبب عدم نقدپذیری می‌شود، از سویی، شکاف میان جامعه و مسئولین، خودمحموری، وجود خصلت‌هایی چون تکبر و خودبزرگ‌بینی، میل به اقتدار کاریزماتیک، فقدان اعتمادبه‌نفس، مقصر دانستن دیگران به‌جای پذیرش نقاط ضعف خود، کوچک‌شمردن انتقاد، و از سوی دیگر، بازگرددن معایب و نادیده‌گرفتن نقاط قوت، پرخاشگری و توهین به‌جای انتقاد سازنده، غرض ورزی و انتقام به‌جای انتقاد هستند. نتایج پژوهش بیانگر این است که فراهم بودن بستر انتقاد در جامعه باعث افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم، ایجاد وحدت میان مردم و مسئولان کشور، بالارفتن فهم سیاسی- اجتماعی جامعه، جلوگیری از تشنجات سیاسی- اجتماعی، حفظ استقلال کشور، جلوگیری از رخنه دشمنان و تقویت پایه‌های نظام خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: نقد، دولت، نقدپذیری، تربیت انتقادی، نظام سیاسی.

۱. مدرس دانشکده فرهنگی اجتماعی و تولید قدرت نرم، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار، دانشکده فرهنگی و اجتماعی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

استناد: نبی‌زاده، محمد و سیاوشی، مهدی (۱۴۰۴). نقدپذیری در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی: رهیافتی به تربیت انتقادی

، دولت پژوهی ایران معاصر، ۱(۱۰)، ۳۵-۵۶.

DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27831914.1403.10.4.1.4>ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) 

نویسندگان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

مسئله نقد و نقدپذیری یکی از مهم‌ترین مسائل و یکی از ملزومات اساسی هر جامعه‌ای به شمار می‌رود که صلاح فرد و جامعه را به دنبال خواهد داشت؛ چراکه انتقاد به‌منظور شناخت نقاط ضعف و کمبودها و تلاش برای رفع آن‌ها، جامعه را در رسیدن به صلاح فردی و اجتماعی یاری می‌رساند. هدف و دغدغه اصلی در انتقاد، حرکت دادن جامعه از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و برطرف کردن عیوب و اصلاح شخص یا گروه مورد نظر می‌باشد. در واقع نقد اندیشه‌ها و رفتارهای نادرست یک فرد یا گروه خدمت به خود آن فرد است چرا که وی را به سمت دستیابی به مطلوب سوق می‌دهد.

بدون شک به همان اندازه که نقد و انتقاد در رشد و شکوفایی فرد و جامعه مؤثر است، داشتن روحیه نقدپذیری نیز زمینه‌ساز اصلاح بسیاری از کاستی‌ها و نابسامانی‌ها خواهد بود. از همین رو تربیت انتقادی در جامعه مهم تلقی می‌گردد. تربیت انتقادی از منظر ژيرو عملی اخلاقی - سیاسی است که روابط پیچیده‌ای با قدرت و نظام سیاسی حاکم دارد (ژیرو، ۲۰۰۴: ۱۲). در این رویکرد بر عاملیت انسانی تمرکز ویژه‌ای می‌شود و پیوند عمیقی میان تربیت و حکمرانی وجود دارد. نظریه انتقادی چنان که از نام آن پیدا است، بیشتر، انتقادی از جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، از ایدئولوژی و فرهنگ گرفته تا تکنولوژی بود (رجائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۳). تربیت انتقادی تلاش می‌کند نقاط تضاد را کشف کند تا به هدفش که ایجاد تکاملی جدید است برسد (شعبانی و رکی، ۱۳۸۳: ۹۸).

در نظریه تربیت انتقادی، تربیت امری جدانشدنی از تحولات اجتماعی و انسانی تلقی می‌شود و همواره میان نظام تربیتی و ساختار اجتماعی، وابستگی متقابلی مفروض است. همچنین، در این نظریه، اظهارات و فرضیات به شرایط اجتماعی و سیاسی وابسته هستند و ادعای ذهن و عقل مستقل رد می‌شود. نظریه‌های انتقادی، با استفاده از «نقادی اندیشه» و افشای استدلال‌های ارائه شده، سعی دارد تفاوت میان «آگاهی کاذب» برخاسته از شرایط موجود اقتصادی - اجتماعی و «خودآگاهی حقیقی» مبتنی بر استدلال معتبر علمی را آشکار سازد. به عبارت دیگر، کار اصلی یک نظام آموزشی، توانمند ساختن افراد و مجهز کردن آنها به آگاهی انتقادی برای روشنگری و جهاد تبیین

موجود است. بنابراین، کشف «بی‌عدالتی اجتماعی» و «ازخودبیگانگی» و تحلیل علل اجتماعی و پیامدهای آن، و نیز بررسی مفاهیمی چون «روشنگری»، «تبیین»، «همبستگی» از اهمیت بسیاری برای این رویکرد برخوردار است (صحبثلو و میرزامحمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۱). نقدپذیری، متضمن اصلاح و انتقاد نسبت به وضعیت موجود است. بنابراین اگر روح انتقادگری و انتقادپذیری از جامعه رخت بر بندد و همگان هر چیز را آن گونه که هست، بپذیرند، در این صورت جامعه از سیر بازمی‌ماند.

بنابراین، نقدپذیری و تفکر انتقادی یکی از مبانی رشد اجتماعی و عقلانی در تربیت است. افرادی که منتقدانه می‌اندیشند دائماً در تلاش‌اند تا زندگی خود را بر پایه عقلانیت، منطق و همدلی استوار سازند. در مکتب اسلام اهمیت زیادی به اندیشه و تفکر داده شده است و تقلید کورکورانه و بدون پشتوانه عقلی و منطقی بارها در قرآن مورد تقبیح قرار گرفته است. در سوره بقره آیه (۱۶۹)، سوره آل عمران (۱۰۴)، انعام (۵۰)، حج (۴۶)، رعد (۳)، زخرف (۲۳) توجه نکردن به نگرش انتقادی و عاداتی که از پیشینیان از روی تعصب به پذیرش آن اقدام کرده‌اند مورد مذمت قرار گرفته است. اهمیت و منزلت تفکر با توجه به بیانات امام علی (ع) از زوایای مختلف قابل تحلیل و بررسی اسناد امام علی (ع) می‌فرمایند «هیچ علمی همچون تفکر نیست». «هر که در آموخته‌هایش بسیار فکر کند، علمش محکم می‌شود و آنچه را نفهمیده، می‌فهمد»: زمر آیه (۱۷) تحمل قول مخالف را داشته باش و گوش کن و بهترین را انتخاب کن. تفکر انتقادی در اسلام مبتنی بر پرورش عقل نظری و عملی است و روش‌های تربیتی تربیت تفکر انتقادی شامل خردورزی، تجربه اندوزی، مناظره، مباحثه، پرسشگری، شرح صدر و... است. تفکر انتقادی در اسلام با محوریت انسان و نیل به اهداف نهایی اسلام است.

از سوی دیگر اساساً جامعه‌ای که بدون نقد و پرسشگری باشد به جامعه‌ای مرده و بدون روحی می‌ماند که دچار رکود شده و پیشرفت مطلوبی در آن حاصل نمی‌شود و بالعکس یکی از مهم‌ترین نشانه‌های پویایی جامعه رونق گرفتن تضارب آرا و تبادل افکار است؛ لذا برای داشتن جامعه‌ای پویا، سالم و بانشاط لازم است که روحیه نقد و نقدپذیری در جامعه به فرهنگی همگانی تبدیل شود. ایجاد فضای نقد در جامعه نیازمند نظام تربیتی خاصی است که متأسفانه تاکنون

نتوانسته‌ایم این نظام را ایجاد کنیم که در این پژوهش به این سؤال پرداخت شد که نقدپذیری در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی با رهیافتی به تربیت انتقادی چگونه است؟

۲- مبانی نظری پژوهش

واژه نقد، معانی و مفاهیم مختلفی دارد. در فرهنگ معین کلمه نقد به معنای جدا کردن دینار و درهم، سره از ناسره، تمیز دادن خوب از بد، آشکار کردن محاسن و معایب سخن، نقد الفاظ و نقد شعر و نقاد آن که خوب و بد را از هم تشخیص دهد معنا شده است و نقادی، انجام این عمل، یعنی انتقاد است (معین، ۱۳۸۴: ۱۳۱۳-۱۳۱۲). همچنین به معنای ارزیابی، بررسی، شناسایی کردن، زیر و رو کردن آورده شده است (ابن فارس، ۱۹۷۹: ۴۶۷).

بنابراین، می‌توان نقد را تشخیص سره از ناسره و درست از نادرست دانست. براین اساس تفکر انتقادی به دنبال تمیز دادن درست از نادرست است. در واقع باید گفت که نقد به معنای عیب‌گیری و اشکال‌تراشی نیست؛ بلکه باید نقد را ارزیابی و واری یک اندیشه یا عملکرد دانست.

۲-۱- انواع نقد

در یک تقسیم‌بندی می‌توان نقد را به دو شیوه تقسیم کرد: گاهی یک جریانی توسط عوامل بیرون از آن جریان نقد می‌شود (نقد بیرونی) و گاهی این انتقاد از طرف نیروها و عناصر داخلی یک جریان برای پویایی بیشتر صورت می‌گیرد (نقد درونی) که از آن به خود انتقادی نیز تعبیر می‌شود. به همان اندازه که انتقاد بیرونی مؤثر است انتقاد درونی نیز از اهمیت و اولویت ویژه‌ای برخوردار است و نتایج قابل توجهی را در بر خواهد داشت.

از سوی دیگر، انتقاد قابل تقسیم به انتقاد سازنده و انتقاد مخرب است. بی‌تردید حق هر فرد یا گروهی است که نسبت به اموری که دارای اشکال هستند، نظر خود را بیان کرده و از این طریق، جلوی راه ناصواب را مسدود سازند، اما بی‌شک نقد کردن با مجادله، هتاک و بی‌حرمتی و در یک کلام، تخریب متفاوت است. نقد و انتقاد تیغ دویله‌ای است که از یک سو می‌تواند سبب پیشرفت کشور و افزایش هوشیاری مردم و مسئولان شود و یا بالعکس، با فراهم ساختن فضای آلوده تخریب، زمینه سوءاستفاده و نفوذ دشمن را فراهم نماید.

اما تفاوت میان انتقاد و تخریب چیست؟ رهبر معظم انقلاب اسلامی^(مدظله العالی) در مقام بیان مرز انتقاد و تخریب فرموده‌اند: «مرز انتقاد و تخریب چیست؟ تخریب بکنند و اسمش را بگذارند انتقاد یا از ما انتقاد بشود و ما تلقی تخریب از آن داشته باشیم. خب، باید مشخص بشود تخریب کدام است و انتقاد کدام است. معنای انتقاد، آن ارزشیابی منصفانه‌ای است که یک آدم کارشناس می‌کند؛ نقادی همین است دیگر. وقتی شما طلا را می‌برید پیش یک زرگر که نقادی کند، او می‌گوید که آقا! این عیارش بیست است؛ یعنی عیار بیست را قبول می‌کند. حالا از بیست و چهار عیار (که طلای خالص است) چهار عیار کم است. این شد نقادی. البته زرگر هم هست و وسیله نقادی را هم دارد. اما اگر چنانچه طلا را بردید؛ مثلاً پیش یک آهنگر و او یک نگاهی کرد و آن را انداخت و گفت: آقا! اینکه چیزی نیست! این اسمش نقادی نیست. اولاً اصل طلا بودن این، انکار شده. خب، بالاخره مرد حسابی! حالا عیار بیست و چهار ندارد، عیار بیست که دارد، این را قبول کن! ثانیاً شما که اهل این کار و آشنای این کار نیستی.» (بیانات، ۶/۲/۱۳۸۷). معظم له در پیامی به مناسبت افتتاح چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی می‌فرمایند: رعایت تقوا و اخلاق و ادب اسلامی در گفتگوها و مباحثات، از جمله مسائل مهم و قابل توجه نمایندگان و مجلس محترم است (نبی‌زاده، ۱۴۰۳: ۱۹).

۳- پیشینه پژوهش

خادمی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان ارائه مدلی برای تفکر انتقادی بر اساس تفکر پژوهشگرانه، مهارت‌های اجتماعی و خودکارآمدی با میانجیگری جرات ورزی به این نتایج دست یافت که بین تفکر انتقادی با مهارت‌های اجتماعی و خودکارآمدی با میانجیگری جرات ورزی رابطه وجود دارد.

طیبه ماهرزاده و بتول شاهی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی ماهیت تربیتی تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختار گرایی به این نتیجه رسیدند که تفکر انتقادی در اسلام با محوریت انسان و در جهت نیل به اهداف غایی اسلام است و پسا ساختار گرایی با اندیشه اسلامی در تضاد است و تفکر انتقادی در اسلام در چهارچوب اصل قیاس پذیری برخی احکام و معارف دینی قابل قبول است.

حسین کریمیان و سیف‌الہ فضل‌الہی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی دیدگاه اسلام به تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت به این نتیجه رسیدند که در دیدگاه اسلام پرورش تفکر انتقادی به منظور برخورداری از دید منطقی برای پذیرش و رد امور در بین افراد جامعه از اهداف اصلی تعلیم و تربیت است. و در پژوهش دیگری با عنوان جایگاه و اهمیت تفکر انتقادی از دیدگاه قرآن و امام علی (لایلا مقتدایی و همکاران ۱۳۹۵) اذعان داشتند در جهان بینی اسلامی اندیشه عنصر اساسی زندگی فردی و اجتماعی است و تعقل همراه با تدبیر، صبر و مطالعه، تقوای حضور، پرسشگری و پرهیز از تعصب و موقعیت‌سنجی از ویژگیهای تفکر انتقادی از منظر امام علی (ع) است.

هوارد و همکاران (۲۰۱۴). در پژوهشی به بررسی چالش‌های نقدپذیری در کشورهای در حال گذار به دموکراسی پرداخته‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که نبود نهادهای مستقل و قوی نظارتی، نبود رسانه‌های آزاد و محدودیت‌های فرهنگی از جمله موانع نقدپذیری در این کشورها هستند.

راشتین (۲۰۰۹). در پژوهشی به بررسی نقش نقدپذیری در مبارزه با فساد پرداخته و نشان می‌دهد که دولت‌هایی که نهادهای نظارتی مستقل دارند و نقدپذیر هستند، کمتر در معرض فساد قرار می‌گیرند و در نتیجه، عملکرد اقتصادی بهتری دارند.

تایلر (۲۰۰۶). در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداخته است که نقدپذیری و شفافیت دولت‌ها به افزایش احساس عدالت و مشروعیت قانونی در بین شهروندان منجر می‌شود. تایلر استدلال می‌کند که دولت‌هایی که نقدپذیر هستند، می‌توانند اعتماد عمومی را تقویت کنند و به ثبات اجتماعی بیشتری دست یابند.

فیشر (۲۰۰۳). در مقاله‌ای با پژوهشی به این موضوع می‌پردازد که چگونه نقدپذیری می‌تواند به بهبود سیاست‌های عمومی و افزایش شفافیت دولت‌ها کمک کند. فیشر بر اهمیت ایجاد نهادهایی که بتوانند نظرات و انتقادات شهروندان را در فرآیند سیاست‌گذاری لحاظ کنند، تأکید دارد.

هاوسر و همکاران (۲۰۰۲). در مقاله‌ای به بررسی نقدپذیری در فرآیند سیاست‌گذاری عمومی پرداخته‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که نقدپذیری در سیاست‌گذاری عمومی می‌تواند به ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری‌ها و افزایش کارآیی برنامه‌های دولتی منجر شود.

بر اساس بررسی پیشینه پژوهش در مقالات علمی، نقدپذیری نقش مهمی در بهبود حکمرانی، توسعه اقتصادی، افزایش اعتماد عمومی و بهبود سیاست‌گذاری‌ها دارد. بااین حال، نقدپذیری با

چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه است که به‌ویژه در کشورهای در حال گذار به مردم‌سالاری بیشتر نمود پیدا می‌کند. تقویت نهادهای نظارتی مستقل، حمایت از رسانه‌های آزاد و ترویج فرهنگ نقدپذیری می‌تواند به ارتقای نقدپذیری دولت‌ها کمک کند و به ایجاد جوامع پایدارتر منجر شود. همان‌گونه که مشاهده شد در هیچ کدام از این پژوهش‌ها به نقدپذیری در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی پرداخته نشده است؛ لذا این پژوهش این امر را با رهیافتی به تربیت انتقادی دنبال می‌کند.

۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های کیفی است. بدین منظور با استفاده از تکنیک‌های اسنادی و تحلیل مفهومی به مطالعه و جستجو در آثار علمی از جمله کتب و مقالات در خصوص نقدپذیری مبادرت شد تا نقدپذیری در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی: رهیافتی به تربیت انتقادی تبیین گردد. پس از استنباط وضعیت نقدپذیری دولت‌های پس از انقلاب، دلایل ضعف انتقادپذیری در جمهوری اسلامی ایران استنتاج شد.

۵- یافته‌های پژوهش

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، هویت ایرانی-شیعی بر مبنای گفتمان دین‌محور و انقلابی شکل گرفت (نبی‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۲۲). از سوی دیگر گسترش روحیه حق‌طلبی زمینه برای ابراز نظرات مختلف و حضور گسترده مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی فراهم شد و با بینش جدیدی که برای آحاد جامعه ایجاد شده بود کژی‌ها و ناراستی‌ها را برناتافته و نقد و انتقاد را حق مسلم خود دانستند. لذا حاکم شدن فضایی که انتقاد مسئولین را جزء حقوق اساسی ملت برمی‌شمرد از برکات انقلاب اسلامی و رهنمودهای بنیان‌گذار انقلاب می‌باشد.

سال‌های ابتدایی انقلاب به دلیل رهاشدن مردم از فضای خفقان دوران استبداد پهلوی و تشکیل ده‌ها حزب و گروه همراه با فضای باز و آزادی برای نقد و انتقاد و ابراز نظرات مختلف بود؛ اما در ابتدای دهه ۶۰ به دلیل سوءاستفاده گروهک‌ها همچون مجاهدین خلق از فضای باز پیش رو، نظام مجبور به اعمال محدودیت‌هایی شد و از آزادی‌های ابتدایی انقلاب کاسته شد. دوران جنگ نیز به

دلیل مسائل مختص جنگ و سعی در اتحاد مردم و مسئولین برای اداره امور کشور و جنگ فضای نقد و انتقاد به نسبت کم‌رنگ بود. برای تبیین فضای انتقاد و انتقادپذیری پس از انقلاب به‌طور جدی می‌توان از دولت سازندگی به بعد را مورد مذاقه و بررسی قرارداد.

دولت سازندگی (۱۳۶۸ - ۱۳۷۶)

دولت سازندگی به ریاست اکبر هاشمی رفسنجانی که از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ در ایران حکمرانی می‌کرد، دوره‌ای از تحولات اقتصادی و بازسازی پس از جنگ ایران و عراق بود. این دوره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود که سیاست‌های اقتصادی جدید، توسعه زیرساخت‌ها و بازسازی کشور پس از جنگ در اولویت قرار گرفتند. بااین حال، یکی از مسائلی که در این دوره مورد توجه قرار گرفت، موضوع نقدپذیری دولت و نحوه مواجهه با انتقادات بود. در این بخش، به بررسی نقدپذیری دولت سازندگی پرداخته می‌شود.

۱. فضای سیاسی و رسانه‌ای محدود

در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، فضای سیاسی و رسانه‌ای با محدودیت‌هایی مواجه بود. هرچند که در ابتدای دوره، نشانه‌هایی از بازتر شدن فضای سیاسی وجود داشت، اما باگذشت زمان، محدودیت‌ها بیشتر شد. نقدهای رسانه‌ای و سیاسی که به سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای دولت پرداخته بودند، با واکنش‌های تند و محدودیت‌های مختلف مواجه می‌شدند. به‌عنوان مثال، برخی از روزنامه‌ها و نشریات که نقدهای تندتری از سیاست‌های دولت مطرح می‌کردند، تحت فشار قرار گرفته یا حتی توقیف شدند.

محمدحسین صفارهرندی، وزیر فرهنگ دولت نهم، در واکنش به اظهارات هاشمی مبنی بر ابراز نگرانی در خصوص آزادی مطبوعات، در افتتاحیه پانزدهمین نمایشگاه مطبوعات در آبان‌ماه ۸۷ گفته بود: «تعجب کردم وقتی برخی از شخصیت‌های محترم در ارتباط با آزادی مطبوعات در شرایط فعلی ابراز نگرانی کردند و مطالبی را فرمودند که به نظر می‌رسد نگران وضع موجود اطلاع‌رسانی هستند و در مقابل، به خاطر آوردم همین بزرگواران در دوران مسئولیت خود، به خاطر انتقادی عادی و معمولی، چنان برآشفته شده بودند که حتی کار به گریه در برابر تریون‌های عمومی کشیده شد. تعجب می‌کنم کسانی با این سطح تحمل از آزادی مطبوعات در دوران خود، چطور اکنون در رابطه با آزادی مطبوعات ابراز نگرانی می‌کنند ...» (صفارهرندی، ۱۳۸۷/۸/۲۷)

لذا در دولت هاشمی فضای باز رسانه ای اساساً بی معنا بود از همین رو تعداد رسانه های منتقد نیز بسیار ناچیز بود با این حال همان چند روزنامه منتقد نیز با برخورد شدید دولتمردان مواجه شد.

۲. نقدهای اقتصادی و پاسخ دولت

بسیاری از اقتصاددانان و کارشناسان، سیاست های اقتصادی دولت رفسنجانی را که به آزادسازی قیمت ها، خصوصی سازی و جذب سرمایه گذاری خارجی می پرداخت، نقد کردند (مصلی نژاد، ۱۳۹۵: ۴۵۴). آن ها معتقد بودند که این سیاست ها می تواند منجر به افزایش نابرابری و تورم شود. در مقابل، دولت رفسنجانی این نقدها را کمتر به رسمیت شناخت و در بسیاری موارد به سیاست های خود ادامه داد. پاسخ های دولت بیشتر بر محور توجیه اقتصادی و ضرورت های پساجنگ متمرکز بود (سینایی، ۱۳۹۳: ۸۳).

نقطه ضعف دولت هاشمی انتقاد از رویه آنها نسبت به مقوله توسعه و سازندگی بود. محمدحسن غفوری فرد که در آن زمان معاون رئیس جمهور و رئیس تربیت بدنی بود به دلیل انتقاد از رویه دولت هاشمی رفسنجانی، از کار برکنار شد. وی در این خصوص می گوید: «من این مسئله را به عنوان زنگ خطری مطرح کردم که کشوری که تازه از جنگ رها شده است و این همه دشمنان خارجی هم دارد و نیاز زیادی به بازسازی داشته گرایش به تجمل گرایی یک خطری است که به واقع انقلاب را تهدید می کند. البته این مسئله در جمع خصوصی جامعه اسلامی مهندسین مطرح شد. بعد از مطرح شدن این مسئله در هیئت دولت، گفته شد که یکی از معاونان شما علیه شما سخنرانی می کند و راجع به تجمل گرایی اعلام خطر کرده است. بعد از آن، من در هر جمعی که قرار می گرفتم، می گفتند همان آقای که مخالف با تجمل گرایی است آمد. به فاصله کوتاهی، کمتر از یک ماه، من را از کار برکنار کردند. این در حالی بود که قبل از آن من استعفا داده بودم و آقای هاشمی رفسنجانی نوشته بود که شما با قدرت به کارتان ادامه دهید. به هر حال، خطری بود که در آن زمان احساس می شد و نتیجه این طور شد که ما شاهد تورم ۴۹ درصدی بنا بر آمار رسمی دولت بودیم.» (غفوری فرد، ۱۳۹۱/۶/۱۲)

۳. واکنش به اعتراضات مردمی

یکی از مواردی که نشان دهنده واکنش دولت به نقدهای عمومی است، اعتراضات مردمی به سیاست های اقتصادی در سال های میانی دهه ۱۳۷۰ است. دولت با این اعتراضات برخورد جدی

داشت که نشان از محدودیت نقدپذیری در مواجهه با اعتراضات عمومی داشت. اعتراضات مشهد و اراک نمونه‌هایی از این واکنش‌ها بودند که کنترل شدند.

۴. تلاش برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌ها

هاشمی رفسنجانی تلاش می‌کرد با مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های خود از طریق استدلال‌های دینی و انقلاب اسلامی، نقدهای وارد شده را کاهش دهد. او با بهره‌گیری از اصول اقتصاد اسلامی و با اشاره به نیازهای اساسی کشور پس از جنگ، بسیاری از سیاست‌های خود را توجیه می‌کرد. این رویکرد تا حدی باعث می‌شد که نقدها به سیاست‌های اقتصادی دولت کمتر شنیده شوند یا به چالش کشیده شوند (جمشیدی، ۱۳۹۷: ۱۲۵).

بنابراین، دولت سازندگی در بسیاری از زمینه‌ها دستاوردهای مهمی در توسعه اقتصادی و زیرساختی داشت، اما در زمینه نقدپذیری با محدودیت‌های قابل توجهی همراه بود. فضای سیاسی و رسانه‌ای تا حدی تحت کنترل بود و اعتراضات و نقدهای جدی نسبت به سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای کمتر تحمل می‌شد. این محدودیت در نقدپذیری باعث شد که دولت سازندگی با برخی از نارضایتی‌های عمومی و سیاسی مواجه شود که در سال‌های بعد از ریاست جمهوری رفسنجانی نمود بیشتری یافت.

دولت اصلاحات (۱۳۷۶ - ۱۳۸۴)

سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور ایران از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، با شعار «جامعه مدنی» و گفت‌وگوی تمدن‌ها به قدرت رسید و دوران ریاست جمهوری وی به‌عنوان «دولت اصلاحات» شناخته می‌شود. دوران اصلاحات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران به‌ویژه از نظر گسترش آزادی‌های مدنی، فضای باز سیاسی، و توجه به حقوق بشر شناخته می‌شود. یکی از ویژگی‌های برجسته این دوره، تلاش برای افزایش نقدپذیری دولت و گسترش فضای گفت‌وگو و بحث در جامعه بود. در ادامه، به بررسی وضعیت نقدپذیری در دولت اصلاحات و واکنش‌های دولت به انتقادات پرداخته می‌شود.

۱. افزایش آزادی بیان و رسانه‌ها

در دولت خاتمی، تعداد زیادی روزنامه و مجله جدید همسو با دولت تأسیس شدند و رسانه‌ها توانستند به نقد آزادانه‌تر سیاست‌های دولت، مسائل اجتماعی و اقتصادی و حتی مسائل سیاسی حساس بپردازند. به عنوان مثال، روزنامه‌هایی مانند "سلام"، "نشاط"، و "جامعه" به نقد سیاست‌ها و عملکردهای دولت و دیگر نهادهای حاکم پرداختند (میرسلیم، ۱۳۸۴: ۴۰۰). با این حال، پس از مدتی، برخی از این رسانه‌ها با محدودیت‌ها و توقیف‌های موقت و دائمی مواجه شدند.

برخی افزایش تعداد روزنامه‌ها و نشریات را در زمان خاتمی نشان از آزادی بیان می‌دانند؛ اما اگرچه بر تعداد نشریات افزوده شد؛ اما غالباً همسو و حامی دولت بودند و به جز دولت خاتمی خط‌قرمز دیگری نمی‌شناختند. لذا آزادی از آن رسانه‌های همسو با دولت بود و رسانه‌های منتقد با فضای بسته مواجه بودند به طوری که سرانجام نشریه‌هایی مانند شلمچه و سوره و... جز تعطیلی نبود.

۲. واکنش به اعتراضات دانشجویی

یکی از موارد مهم در دوره اصلاحات، نقدپذیری دولت در مواجهه با اعتراضات دانشجویی بود. در سال ۱۳۷۸، پس از بسته شدن روزنامه "سلام" و تصویب قانون مطبوعات، اعتراضات گسترده‌ای در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌ها شکل گرفت. دولت خاتمی در ابتدا با رویکرد مسالمت‌آمیز به این اعتراضات واکنش نشان داد و تلاش کرد با گفتگو و تعامل، بحران را مدیریت کند. اما در ادامه، با فشار نیروهای امنیتی و مداخله نیروهای خودسر، برخوردها خشونت‌آمیز شد. علاوه بر اینها برخورد با منتقدین در سطح دانشگاه‌ها نیز صورت می‌گرفت. زمانی که تشکل اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل به عنوان منتقدین دولت به دلیل عدم اجازه برگزاری نشست این اتحادیه در دانشگاه تربیت معلم از سوی وزارت علوم، تجمعی را در ساختمان این وزارتخانه در شهرک غرب شکل دادند با واکنش تند و سریع مصطفی معین، وزیر علوم وقت، مواجه شدند به گونه‌ای که وی طی نامه‌ای به خاتمی در اعتراض به این تجمع دانشجویی، از رئیس جمهور وقت می‌خواهد که با دانشجویان منتقد و تجمع‌کننده برخورد «امنیتی، اطلاعاتی، قضایی، سیاسی و حقوقی» شود.^{۴۵} روند عدم انتقادپذیری دولت اصلاحات همچنان ادامه داشت و کسانی که فقط شعار آزادی بیان را سر می‌دادند در برابر کوچک‌ترین نقدها واکنش‌های تندی از خود نشان داده تا جایی که اوج مواجهه خاتمی با منتقدین را در روز دانشجوی سال ۸۳ در دانشگاه تهران می‌بینیم. خاتمی در واکنش به شعارهایی که علیه وی داده شد اظهار داشت: «این خلاف مصالح دیگران و روش

دموکراتیک است. چند نفری هستند که هو می کنند. کاری نکنید که بگویم بیرونتان کنند. آدم باشید. آدم‌هایی که تحمل دیگران را ندارند، خدا نکند به قدرت برسند. در همه چیز انحراف ایجاد کردید، حالا آمدید اینجا، نمی خواهید که ما حرف بزنیم.» (خاتمی، ۱۳۸۳/۹/۱۶)

۳. پاسخ به نقدهای اقتصادی

در زمینه اقتصادی، نقدهای متعددی نسبت به سیاست‌های دولت خاتمی مطرح شد، از جمله در حوزه خصوصی سازی، کنترل تورم، و نرخ بیکاری. دولت اصلاحات تلاش کرد تا با تشکیل جلسات مشورتی و دعوت از اقتصاددانان و کارشناسان مستقل، به نقدها پاسخ دهد و سیاست‌های اقتصادی را اصلاح کند. با این حال، برخی از نقدها همچنان به قوت خود باقی ماندند و دولت نتوانست به طور کامل رضایت عمومی را در این زمینه جلب کند.

بنابراین، دولت اصلاحات به ریاست سید محمد خاتمی تلاش کرد تا فضای بازتر و دموکراتیک‌تری را برای نقد و بررسی مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فراهم کند که انتقادپذیری‌هایی هم در عرصه‌های گوناگون از خود به جا گذاشت. عدم انتقادپذیری در اطرافیان خاتمی که عمدتاً از گروه‌های تندرو و افراطی بودند از شدت بیشتری برخوردار بود. احزابی چون مشارکت، مجاهدین، جبهه ملی و نهضت آزادی که همه از نزدیکان خاتمی به شمار می‌رفتند اساساً نقدی را به خود وارد نمی‌دانستند و منتقدان خود را افراطی می‌نامیدند. هرچند که تلاش‌های زیادی برای افزایش نقدپذیری و شفافیت صورت گرفت، اما با محدودیت‌ها و مقاومت‌هایی نیز مواجه شد. با این حال، دولت خاتمی توانست در تاریخ معاصر ایران به عنوان یکی از دوره‌هایی شناخته شود که نقدپذیری و تلاش برای شفافیت و پاسخگویی را به طور جدی در دستور کار قرارداد.

دولت عدالت‌گرا (۱۳۸۴ - ۱۳۹۲)

محمود احمدی‌نژاد که از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ به عنوان رئیس‌جمهور ایران خدمت کرد، با شعارهای عدالت خواهانه و مبارزه با فساد، حمایت از طبقات پایین جامعه و استقلال اقتصادی به قدرت رسید. دوران ریاست جمهوری او به دلیل مواضع سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی، یکی از دوره‌های پربحث و جدال‌آمیز در تاریخ جمهوری اسلامی ایران بود. یکی از جنبه‌های مهم عملکرد دولت احمدی‌نژاد، نحوه برخورد با انتقادات و میزان نقدپذیری او و دولت‌ش بود. در این

بخش، به بررسی وضعیت نقدپذیری در دولت احمدی نژاد و واکنش‌ها به انتقادات پرداخته می‌شود.

۱. محدودیت‌های رسانه‌ای و توقیف مطبوعات

در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد، فضای رسانه‌ای با محدودیت‌های بیشتری نسبت به دوران اصلاحات مواجه شد. برخی از روزنامه‌ها و نشریات که به انتقاد از سیاست‌های دولت پرداخته بودند، توقیف یا محدود شدند. به عنوان مثال، روزنامه‌های "شرق" و "هم‌میهن" به دلیل انتشار مطالب انتقادی علیه سیاست‌های داخلی و خارجی دولت، به طور موقت یا دائم توقیف شدند. این رویکرد نشان دهنده تمایل کمتر دولت به پذیرش نقد و ایجاد فضای آزاد برای بیان نظرات مخالف بود.

۲. واکنش به اعتراضات مردمی و دانشجویی

در روز دانشجوی سال ۱۳۸۵ در دانشگاه امیرکبیر تلاش‌های بسیاری برای برهم زدن مراسم سخنرانی رئیس جمهور صورت گرفت تا جای یکه مخالفین عکس وی را به آتش کشیدند، محمود احمدی نژاد در واکنش به این اقدام گفت: «پیشگامان ما در راه دفاع از آزادی حقیقی و عدالت، مانند شهید رجایی، جان و تنشان را سوزاندند و افتخار امثال بنده رسیدن به آن جایگاه و سوختن در راه تعالی این ملت است. آمریکایی‌ها بدانند ما اگر هزار بار هم بسوزیم، یک سانتی متر از آرمان‌هایمان عقب‌نشینی نمی‌کنیم». (احمدی نژاد، ۱۳۹۱/۹/۲۰) در این مراسم، اهانت‌ها و توهین‌های بسیاری علیه احمدی نژاد صورت گرفت، اما وی با صبر و تحمل، مواضع انقلابی و هوشمندانه‌ای را اتخاذ کرد و در هیچ صحنه‌ای و در پاسخ به هیچ اهانتی، کوچک‌ترین عصبانیتی بروز نداد و در برابر بدترین توهین‌ها و اهانت‌ها، با لبخند و پاسخ‌های هوشمندانه از آن‌ها عبور کرد.

۳. برخورد با منتقدان اقتصادی و سیاسی

در دوران احمدی نژاد، برخی از منتقدان اقتصادی که به سیاست‌های پولی و مالی دولت اعتراض داشتند، با واکنش‌های منفی مواجه شدند. اقتصاددانانی که به سیاست‌های انبساطی پولی و افزایش

نقدینگی و تورم اعتراض داشتند، به حاشیه رانده شده یا به تندی پاسخ داده شدند. احمدی‌نژاد و برخی از مقامات دولتی بارها منتقدان اقتصادی را به عدم فهم مسائل اقتصادی و یا وابستگی به جناح‌های مخالف سیاسی متهم کردند.

۴. عدم شفافیت در واکنش به انتقادات

یکی از ویژگی‌های دولت احمدی‌نژاد، عدم شفافیت در پاسخ به نقدها و انتقادات بود. در بسیاری از موارد، به جای ارائه دلایل و مستندات برای تصمیمات و سیاست‌ها، نقدها با اتهام‌زنی یا توجیهات کلی سیاسی پاسخ داده می‌شد. این رفتار باعث شد تا فضای گفتگو و نقد سازنده به شدت کاهش یابد. در دولت دهم محمود احمدی‌نژاد کابینه‌اش را خط‌قرمز خود معرفی نمود و در برابر هرگونه انتقادی نسبت به اعضای کابینه و اطرافیان و منصوبینش واکنش نشان می‌داد. به گونه‌ای که در حاشیه جلسه هیئت وزیران اظهار داشت: «کابینه خط قرمزی است که اگر بخواهند به آنجا دست‌اندازی کنند، حتماً به کشور آسیب وارد می‌شود که امیدوارم به‌خاطر مطامع سیاسی این کار را ادامه ندهند، اما اگر بخواهند این روند را ادامه دهند و فضای همدلی و دلسوزی را مخدوش کنند و به نقطه‌ای برسیم که ببینیم آسیب جدی به کشور وارد می‌شود، موظفم مسائل را با مردم در میان بگذارم و به وظایف قانونی خود عمل کنم که امیدوارم به آنجا نرسد.» (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۰/۴/۸).

۵. نقدپذیری در حوزه سیاست خارجی

سیاست‌های خارجی احمدی‌نژاد، به‌ویژه در مورد مسائل هسته‌ای و روابط با غرب، مورد نقد شدید برخی از دیپلمات‌ها و کارشناسان داخلی و خارجی قرار گرفت. دولت احمدی‌نژاد این نقدها را به‌عنوان تضعیف منافع ملی تلقی کرده و با کسانی که این نقدها را مطرح می‌کردند به برخورد کرد. اظهارات تند و تحریک‌آمیز در مجامع بین‌المللی نیز مورد نقد قرار گرفت، اما احمدی‌نژاد به جای پذیرش نقدها، بارها بر حقانیت سیاست‌های خود تأکید کرد. بنابراین، دولت احمدی‌نژاد به‌عنوان یکی از دولت‌های بحث‌برانگیز در تاریخ جمهوری اسلامی ایران، نشان‌دهنده کاهش شدید نقدپذیری و محدودیت بیشتر فضای رسانه‌ای و سیاسی بود. این

دولت با واکنش‌های شدید به اعتراضات مردمی و دانشجویی، محدودیت رسانه‌ها، برخورد با منتقدان اقتصادی و سیاسی، و عدم شفافیت در پاسخ به نقدها، فضای گفتگو و نقد سازنده را محدود کرد. این رویکرد باعث شد تا نقدپذیری به عنوان یکی از ارکان اساسی حکمرانی خوب، به شدت تضعیف شود و جامعه با شکاف‌های بیشتری مواجه گردد.

دولت اعتدال (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ با شعار "اعتدال و تدبیر" به عنوان رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد و دوره‌ای را آغاز کرد که به دولت "اعتدال" معروف شد. دولت روحانی با وعده‌هایی همچون بهبود وضعیت اقتصادی، گسترش آزادی‌های مدنی و حقوق شهروندی، و بهبود روابط با جامعه بین‌المللی به قدرت رسید. یکی از محورهای اصلی در کارنامه دولت روحانی، میزان نقدپذیری و واکنش به انتقادات داخلی و خارجی بود. در این بخش، به بررسی وضعیت نقدپذیری در دولت حسن روحانی و واکنش‌های دولت به انتقادات پرداخته می‌شود.

روحانی در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری بیان داشت: «خداوند، به تو پناه می‌برم از استبداد رأی، عجله در تصمیم، تقدم نفع شخصی و گروهی بر مصالح عمومی و بستن دهان رقیبان و منتقدان».^۱ چند ماه بعد نیز اظهار داشت: «منتقدان و مخالفان این دولت آزادند و آزاد خواهند بود، اما بگذارید به همان اندازه همراهان دولت هم از آزادی و امنیت برخوردار باشند، نقد کنند، مخصوصاً نقد سازنده، این افتخار برای دولت است.» (۱۳۹۲/۵/۱۳)

اما علی‌رغم این اظهارات و همچنین اظهارات مشابه رئیس‌دولت، منتقدان طی این دو سال که از عمر دولت یازدهم می‌گذرد از گزند حملات رئیس‌جمهور و اطرافیانش در امان نمانده‌اند خصوصاً جناب روحانی که منتقدین را با الفاظ و عبارات توهین‌آمیز بارها مورد لطف خود قرار داده است. برخی از حملات رئیس‌جمهور به منتقدین طی این مدت عبارت‌اند از: «گروه و اقلیتی وجود دارند که نه منتقد و نه مخالف دولت هستند و طی نهالی ده ماه گذشته، مشغول کارشکنی و اتهامات ناروا و دروغ‌پراکنی می‌باشند».^۲ یا اینکه «هروقت می‌خواهد مذاکره شود، عده‌ای

می‌گویند ما هم داریم می‌لرزیم. خوب به جهنم، بروید یک جای گرم برای خودتان پیدا کنید. چه کار کنیم خداوند شما را ترسو و لرزان آفریده، ما چه کار کنیم.» (۱۳۹۳/۵/۲۰)

فضای رسانه‌ها

دولت روحانی تلاش کرد فضای رسانه‌ای بازتری برای جریان همسو با خود فراهم کند. روزنامه‌ها و رسانه‌های دولت امکان فعالیت بیشتری داشتند و تعدادی از رسانه‌هایی که در دوره‌های قبل توقیف شده بودند، مجدداً منتشر شدند. با این حال، همچنان برخی محدودیت‌ها باقی ماند و روزنامه‌های منتقد و اصلاح‌طلبی مانند "شرق" و "اعتماد" بارها با فشارهای غیرمستقیم و یا توقیف‌های موقت مواجه شدند.

از دیگر برخوردهای دولت یازدهم با منتقدین می‌توان به برخورد با رسانه‌ها اشاره کرد. طی مدت کوتاهی از آغاز دولت یازدهم هفته‌نامه «یالثارات» و «۹دی» توقیف شد و روزنامه «وطن امروز» به دلیل نقض مصوبه شورای عالی امنیت ملی، از این هیئت تذکر گرفت و پرونده این روزنامه نیز به مراجع قضایی ارسال شد. علی جنتی دلیل توقیف هفته‌نامه «یالثارات» را این‌گونه بیان می‌کند: «آنچه که در چندین شماره اخیر این نشریه بررسی کردیم، مشحون از نشر اکاذیب، توهین‌های بسیار بارز به رئیس‌جمهوری، اعضای دولت و مقامات کشور است. در این نشریه، نوعی لمپنیسم در به کارگیری کلمات و ادبیاتی در سطح بسیار سخیف و زشت مشاهده می‌شود. مجموعه عواملی بوده است که موجب توقیف نشریه یالثارات شد. اگر هیأت نظارت می‌خواست با این نشریه برخورد کند باید لغو پروانه می‌شد؛ سوابق یک سال گذشته این نشریه تاکنون نشان می‌دهد هیأت نظارت بارها به دنبال توقیف آن بوده است؛ اما به دلیل نام بسیار زیبایی که این هفته‌نامه یدک می‌کشد شاید ملاحظاتی داشتند؛ ولی هرکسی که این هفته‌نامه را بخواند عادلانه می‌تواند قضاوت کند که این هفته‌نامه در شأن جمهوری اسلامی نیست» (روزنامه ایران ۱۳۹۲/۱۰/۲۳).

یکی دیگر از اقدامات دولت یازدهم در عدم انتقادپذیری پنجمین نشست خبری حسن روحانی در خردادماه ۹۴ بود. این نشست در حالی برگزار شد که فقط به رسانه‌های همسو و بی‌طرف اجازه سؤال دادند و رسانه‌های منتقد جایی در این برنامه نداشتند. این در حالی است که روحانی بارها از تریبون‌های مختلف اعلام کرده که دولت‌ش آمادگی هر گونه نقد را دارد از جمله در یک سخنرانی

مفصل گفته بود: «یکی از مشخصات این دولت این است که انتقادپذیر است و هر کس با هر لحنی انتقاد کند، البته ما دلمان می‌خواهد لحن انتقاد کاملاً مؤدبانه و اخلاقی باشد و اعتراض حتماً در چارچوب قواعد بازی باشد، به هر حال دولت از این به بعد قدم‌های بلندتری خواهد برداشت و این قدم کوچک دولت خواهد بود. برخی ممکن است مخالف باشند و یا اعتراض کنند. حق آنهاست که اعتراض کنند، اتفاقاً من خودم به دو دستگاه مهم نظرسنجی گفتم که در کشور نظرسنجی دقیق کنند و نظر مردم را بگیرند تا ببینیم این حرکت دولت که گامی به پیش گذاشته است، چقدر موافق و چقدر مخالف دارد، حتی اگر مخالفین راه این دولت یک درصد باشند، آن یک درصد حق دارند حرف بزنند و نقد کنند. همه ما، حالا ممکن است دولت هم به کسی نقد داشته باشد و آن هم به همین صورت است، هیچ اشکالی ندارد اگر کسی نظری و نقدی دارد بیان کند.» اما با این وجود بسیاری از رسانه‌های منتقد مجالی برای ابراز نظر و سؤال نیافتند. خبرنگار صداوسیما، خبرنگار روزنامه ابتکار، تلویزیون چین، خبرگزاری مهر، خبرگزاری ایرنا، روزنامه ایران، سایت برنا، خبرنگار فایننشال تایمز، لس‌آنجلس تایمز، ای‌لنا از جمله رسانه‌هایی بودند که با طرح سالیانی که بیشتر آن‌ها همسو با نظرات دولت بود و انتقادی در بر نداشت، در فضای مدیریت شده جلسه حضور یافتند.

۲. برخورد با اعتراضات مردمی

یکی از چالش‌های بزرگ دولت روحانی، اعتراضات مردمی در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ بود. این اعتراضات که به دلیل مشکلات اقتصادی و مسائل اجتماعی شکل گرفت، با واکنش‌های متنوعی از سوی دولت مواجه شد. در حالی که روحانی از ضرورت شنیدن صدای معترضان و پاسخ به مطالبات آن‌ها صحبت می‌کرد، برخوردهای امنیتی با معترضان و محدودیت‌های اعمال شده بر اینترنت و رسانه‌ها نشان‌دهنده عدم‌پذیرش کامل نقدها و اعتراضات بود.

۳. واکنش به اعتراضات دانشجویی

علی‌رغم اینکه روحانی تلاش داشت همچون خاتمی جایگاهی میان دانشجویان برای خود بیابد؛ اما از میان چند بار حضور وی در دانشگاه تنها سه بار در جمع دانشجویان حضور یافته و تمامی این مراسمات به صورت یک‌طرفه و با ممانعت از اظهار نظرات دانشجویان صورت گرفته است. از جمله آخرین حضور وی در دانشگاه به روز دانشجوی سال ۱۳۹۳ مربوط می‌شود و علی‌رغم اینکه توقع

آن می‌رفت که رویه گذشته دولت برای حضور در جمع دانشجویان اصلاح شود؛ اما باز هم این مراسم در فضایی امنیتی از سوی دولت برگزار شد و سخنرانان مراسم به صورت گزینشی انتخاب شدند و به تشکل‌های بزرگ دانشگاهی اجازه سخنرانی داده نشد. لذا در پی این برخورد امنیتی و ممانعت اطرافیان روحانی از حضور و سخنرانی اتحادیه‌های دانشجویی و دانشجویان در برنامه ۱۶ آذر، شاهد بیانیه‌های فراوانی از سوی تشکل‌های دانشجویی بودیم که نسبت به شرایط ایجاد شده ابراز نارضایتی کرده و از فضای بسته انتقاد در دولت یازدهم گلایه‌مند بودند. از جمله دفتر تحکیم وحدت با صدور نامه‌ای اعتراض خود را اعلام کرد و بیان داشت: «در آستانه ۱۶ آذر امسال، یعنی در دومین سال دولت یازدهم، امیدوار بودیم که بالاخره اتحادیه‌های دانشجویی هم بتوانند پس از دو سال، نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را از فضای موجود جامعه و عملکرد دولت جناب‌عالی در حضور شما و بدون واسطه، به سمع و نظر تان برسانند. اما متأسفانه این بار هم به‌مانند دفعات گذشته، با نمایندگانی دانشجویی منتخب دولت برای سخنرانی به‌عنوان نمایندگان دانشجویان روبه‌رو هستیم. روندی که امسال نیز شاهد آن هستیم هر چند که قابل‌انتظار بود، اما برای دولتی که خود را طرف‌دار آزادی بیان می‌داند مایه تأسف است. دولتی که با استفاده از تمام تریبون‌ها به تبلیغ چهره انتقادپذیر خود می‌پردازد، اما دو سال است که فضای انتقاد را بر اتحادیه‌های دانشجویی بسته است.»

۶. نقدپذیری در حوزه حقوق شهروندی

دولت روحانی با ارائه "منشور حقوق شهروندی" تلاش کرد تا نشان دهد که به حقوق مدنی و سیاسی مردم اهمیت می‌دهد. این منشور با استقبال برخی نهادهای حقوق بشری و انتقاداتی از سوی منتقدان روبرو شد که آن را بیشتر به‌عنوان یک اقدام نمادین تلقی کردند. دولت در واکنش به این نقدها، بر اهمیت اجرایی شدن این منشور تأکید کرد و وعده داد که برای اجرای آن تلاش بیشتری خواهد کرد.

بنابراین، رویکرد کلی اعتدالیون بر عدم استقبال از انتقادات سازنده استوار گشته است. حملات گزنده دولت نسبت به منتقدین سبب سلب آزادی بیان از جامعه گشته است که این رویکرد

خصیصه‌های عصر سازندگی را به اذهان متبادر می‌کند چرا که نمونه آزادی بیان در دوران اعتدال را فقط در دوران سازندگی می‌توان یافت. هرچند دولت روحانی در برخی حوزه‌ها مانند سیاست خارجی و مسائل اقتصادی به نقدها پاسخ داد و تلاش کرد که اصلاحات لازم را انجام دهد، اما در مواجهه با اعتراضات مردمی و نقدهای داخلی نیز گاهی با محدودیت‌ها و فشارهایی مواجه شد که به فضای نقدپذیری آسیب رساند.

۶- نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف نقدپذیری در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی: رهیافتی به تربیت انتقادی انجام شد. دولت‌های ایران از سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰، با ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی، هر یک رویکردهای متفاوتی در مواجهه با نقدها و انتقادات داشتند. در این جمع‌بندی به مقایسه فضای نقدپذیری در این چهار دولت پرداخته می‌شود:

دولت هاشمی رفسنجانی بیشتر بر توسعه اقتصادی و بازسازی کشور پس از جنگ ایران و عراق تمرکز داشت. این دوره با محدودیت‌هایی در فضای نقدپذیری و آزادی رسانه‌ها همراه بود. هرچند در ابتدا تلاش‌هایی برای ایجاد فضای بازتر صورت گرفت، اما به مرور زمان با افزایش انتقادات از سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای دولت، محدودیت‌هایی بر رسانه‌ها و نهادهای منتقد اعمال شد. این محدودیت‌ها شامل توقیف برخی روزنامه‌ها و واکنش تند به اعتراضات مردمی و نقدهای داخلی بود. به‌طور کلی، نقدپذیری در این دوره با توجه به اولویت‌های توسعه اقتصادی و جلوگیری از بی‌ثباتی سیاسی، محدودتر از آنچه انتظار می‌رفت، بود.

دوره خاتمی به‌عنوان دوره‌ای شناخته می‌شود که فضای بازتر و دموکراتیک‌تری را برای نقد و گفت‌وگو فراهم کرد. با این حال، این فضا نیز با محدودیت‌هایی مواجه شد، از جمله توقیف برخی رسانه‌های منتقد و برخورد با اعتراضات دانشجویی. دولت خاتمی به‌طور کلی پذیرای انتقادات بود و نقد را به‌عنوان ابزاری برای بهبود عملکرد دولت و تحقق اهداف اصلاحات می‌دانست.

دولت احمدی‌نژاد به دلیل سیاست‌های تهاجمی و مواضع شدید، با فضای محدودتری برای نقد و انتقاد شناخته می‌شود. در این دوره، انتقادهای اقتصادی و سیاسی با اتهام‌زنی و واکنش‌های تند از سوی دولت پاسخ داده می‌شد و فضای عمومی برای گفت‌وگو و نقد سازنده کاهش یافت.

دولت روحانی به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی و توافق هسته‌ای (برجام) با نقدهای گسترده‌ای مواجه شد و تلاش کرد تا با پاسخگویی و گفت‌وگوی ملی به این نقدها پاسخ دهد که در این پاسخ‌ها نیز گاهی توهین و اهانت به اشخاص و منتقدین نیز دیده می‌شد. با این حال، برخورد با اعتراضات مردمی در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و محدودیت‌هایی که در فضای رسانه‌ای و اینترنت اعمال شد، نشان داد که هنوز نقدپذیری با محدودیت‌های جدی مواجه است.

در مجموع، می‌توان گفت که هر یک از این چهار دولت، رویکردها و سیاست‌های متفاوتی در مواجهه با نقد و انتقاد داشتند و همچنان با چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز مواجه بودند. به‌طور کلی، نقدپذیری به‌عنوان یک ویژگی مهم در حکمرانی، نیازمند تقویت و حمایت مستمر است تا بتواند به بهبود عملکرد دولت‌ها و افزایش اعتماد عمومی کمک کند.

با توجه به تمام آنچه تاکنون بیان شد می‌توان گفت یک دولت زمانی می‌تواند پویا و بالنده باشد که نگاه انتقادی در بستر آن جامعه وجود داشته باشد. وجود نگاه انتقادی علاوه بر اینکه عیوب موجود در سیستم مدیریتی کشور را نمایان می‌سازد زمینه پاسخگویی مسئولین در جهت رفع معایب را نیز فراهم می‌آورد. تا زمانی که نقد در جامعه وجود نداشته باشد گمان این می‌رود که مشکلی هم وجود ندارد؛ لذا گامی در جهت رفع مشکلات و اصلاح امور برداشته نخواهد شد و این امر خسارات جبران‌ناپذیری را به‌جای خواهد گذاشت. این همان مسئله‌ای است که جامعه ما نیز تا حدودی درگیر آن است. همان‌طور که گفته شد در دولت‌های پس از انقلاب همواره نقدپذیری با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو بوده است. متأسفانه مشاهده می‌شود زمانی که مشکلات کشور از طریق منتقدین بیان می‌شود گاهی با انتقادناپذیری مسئولین مواجه شده و به‌جای حل مشکلات بر شدت آنها افزوده می‌شود. همچنین انتقادناپذیری دولت‌ها موجب تقویت مخالفان نظام و هزینه برای نظام اسلامی خواهد شد. بنابراین جامعه‌ای پویا و پاسخگو مستلزم وجود نقادی فعالانه و روحیه انتقادپذیری بالا است و همین امر می‌تواند ضامن منافع ملی و مصالح نظام نیز باشد.

فهرست منابع

- The Holy Quran
Nahj al-Balagha
Fischer, F. (2003). Reframing public policy: Discursive politics and deliberative practices. Oxford University Press.
Giro, Henry (2002). Towards Postmodern Education. Translated by Morteza Jiriai. Tehran: Ney Publishing.
Giroux, H. (2004). Public Pedagogy and the Politics of Neo-liberalism: making the political more pedagogical. Policy Futures in Education, 2(3), 494-503.
Giroux, H. (2009). Education and the Crisis of Youth: Schooling and the Promise of Democracy. The Educational Forum, Vol. 73, Iss. 1: 8-18.
Har al-'Amali, Mohammad bin Hasan (1104 AH). Al-Wisal al-Shi'ah, vol. 1, p. 138, Beirut: Dar al-Haya al-Turath al-Arabi.
Hauser, G. A., & McClellan, D. (2002). Deliberative democracy in practice. University of Chicago Press.
Howard, M. M., & Rooth, A. (2014). Limits to criticism in transitional democracies. Comparative Politics, 46(4), 475-492
<http://alef.ir/vdch.-nit23n6vftd2.html?txt>
<http://farsnews.com/newstext.php?nn=13930607000678>
<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/255750/>
<http://www.president.ir/fa/79828>
<http://www.president.ir/fa/79828>
<http://www.tabnak.ir/fa/news/173909>
Ibn Faris, Ahmad (1979). Mu'jam al-Mu'amalat al-Lughah, Beirut: Dar al-Fikr.
Ibn Shobah Harani, Hasan bin Ali (1404 AH). Ali Akbar Ghafari, Islamic Publishing Office.
Jamshidi, Mohsen; Mahjoub, Fatemeh (2018). Obstacles to the Lack of Political Development of the Islamic Republic of Iran during the Presidency of Hashemi Rafsanjani (1997-1999). Strategic Researches of the Islamic Revolution, Year 1, Issue 3.
Mirsalim, Mustafa (2005). Cultural Flow after the Islamic Revolution of Iran. Tehran: Baz Publications.
Mosallanejad, Abbas (2016). Government and Economic Development in Iran. Tehran: Nay Publishing.
Nabizadeh, Mohammad (1402). Indicators of religious and revolutionary identity in education and political socialization of Iran, Contemporary Iranian State Research, 4(9), 146-121.
Nabizadeh, Mohammad and Siavashi, Mehdi. (1403). Competencies of representation of the Islamic Council from the point of view of the leaders of the Islamic Revolution, State Studies of Contemporary Iran, 1(10), 37-11.
Pirahan, Ivan (2008). Philosophy of Continental Social Sciences: Hermeneutics, Genealogy, and Critical Theory from Ancient Greece to the 21st Century. Translated by Hadi Jalili. Tehran: Ney Publishing.
Pouyan, Ali (2018). "Analysis of Economic Critiques on the 11th and 12th Governments' Policies." Iranian Economic Quarterly, 15(4), 50-67.
Rajaei, Maliheh; Javidi Kalateh Jafarabadi, Tahereh; Sadeqzadeh Qamsari, Alireza; Shabani Varkeh, Bakhtiar (2018). "Explaining Dialogue-Centered Education in Critical Resistance Theory: Its Desirability and Feasibility in the Iranian Educational System." Journal of Foundations of Education, 9(2), 85-104.

- Reuters, George (2010). The Foundations of Contemporary Sociology Theory and Its Classical Roots. Translated by Shahnaz Masumi Parast. Tehran: Nashr-e-Elm.
- Rothstein, B. (2009). Anti-Corruption: The indirect 'big bang' approach. Review of International Political Economy, 16(2), 253-278.
- Sahablo, Ali; Mirzamohammadi, Mohammad Hassan (2013). "A Reflection on Critical Theory in Education." Quarterly Journal of Research in Educational Philosophy.
- Sahraei Parisi, Fatemeh & Barhaman, Maryam (2019). "Proposing Critical Thinking Elements Based on Education, Verses Extracted from Surah Al-Baqarah." Quarterly Journal of Research in Islamic Education, 28(47), 63-85.
- Saidi, Ali (2011). "Public Protests during the Reconstruction Era: Analysis of Causes and Consequences." Journal of Iranian Sociology, 15(1), 78-92.
- Shabani Varkeh, Bakhtiar (2013). "Education and Human Becoming." Journal of Humanities, Issue 8, pp. 95-106.
- Sinai, Vahid; Zamani, Somayeh (2012). Studying the Role of the Government and Parliament in Changing Iran's Economic Policies. Bi-Quarterly Encyclopedia of Economic Law, Year 19, Issue 2.
- Tamimi Amadi, Abdulwahid bin Mohammad (1410 AH). Gharar al-Hikm and Durar al-Kalam, Qom: Dar al-Kutub al-Islami.
- Tyler, T. R. (2006). Why people obey the law. Princeton University Press.

